

شاخصه های مدیریت علوی در جهت تحقق و احیای مدیریت اسلامی

لیلا دولت خواه^۱، محمود صفائی^۲

^۱ مدرس دانشگاه آزاد اسلامی گناوه

^۲ مدرس دانشگاه آزاد اسلامی گناوه (نویسنده مسئول)

چکیده

از مفاهیم کلیدی که همواره در جوامع بشری دارای جایگاه ارزشمندی بوده و با توجه به نوع خلقت انسان و استعدادهای نهفته در وجود او می تواند در تکامل و پیشرفت جوامع بشری مورد توجه ویژه قرار گیرد، بحث مسئولیت و مسئولیت پذیری و مدیریت است. مدیریتی که در فرهنگ های مختلف به نوع ارزش ها و نگاه مردمان جوامع بستگی دارد، در اسلام به عنوان تکلیف و امانت به مدیر واگذار می گردد. از آنجا که خداوند سبحان مدیریت و حاکمیت مطلق جوامع بشری و عالم وجود را برعهده دارد، وجود انبیا و امامان و اولیای الهی می تواند الگوی شایسته ای برای تحقق یک مدیریت سالم، متعالی، تکلیف گرا و مردم دار باشد. در این تحقیق با استفاده از سیره ی عملی حضرت امام علی علیه السلام شاخصه هایی از مدیریت علوی به عنوان الگوی مدیریت اسلامی معرفی و نگاهی هم به آنچه می بایست در گام دوم انقلاب اسلامی تحقق پیدا کند و ضرورت آن احساس می شود، داشته ایم، و اشاره ای هم به تناسب موضوع با شعار سال ۱۴۰۰ می شود.

واژه های کلیدی: مدیریت اسلامی، مدیریت علوی، مسئولیت پذیری، امانت الهی، وظایف زمامداران

مسئولیت به معنای وظیفه یافتن و ضرورت پاسخگویی به دیگران می باشد و در اصطلاح، به لحاظ تعدد مسئولیت‌ها معنا و مفهوم آن نیز متعدد و متفاوت خواهد بود. مسئولیت‌های دینی، قانونی و اجتماعی در عرصه‌های مختلف اجتماع و نیز مسئولیت‌های انواع صنوف و تخصص‌ها از جمله این مفاهیم است. از میان انواع مسئولیت‌ها به ویژه در مدیریت اسلامی، بهره‌گیری از مدیریت علوی است که جلوه بی بدیلی از مسئولیت زمامداران و کارگزاران در نظام مدیریتی اسلام است.

از دیدگاه اسلام به طور عام و در نگاه حضرت امام علی علیه السلام به طور خاص، مدیریت و مسئولیت در کلمه، امانتی است که به مدیر سپرده می‌شود تا برای مدتی معین به عنوان مجری یا امانت‌دار در آن جایگاه انجام وظیفه کند.

«وَإِنَّ عَمَلَك لَيْسَ لَكَ بِطَعْمَةٍ وَّلَكِنَّهُ فِي عُنُقِكَ أَمَانَةٌ» (کاری که در دست توست، طعمه نیست، بلکه امانتی است بر گردن تو) (نهج البلاغه، ۱۳۷۹، نامه شماره ۵)

مدیریت و مسئولیت، امانت‌گران سنگی است که باید به اهلش سپرده شود و کسانی که بدون توجه به اصل امانت بودن مدیریت و مسئولیت و بدون برخورداری از شایستگی‌ها و توانایی‌های لازم، مدیریت و مسئولیتی را می‌پذیرند و نیز کسانی که چنین افرادی را انتخاب می‌کنند، مرتکب خیانت می‌شوند.

امام علی علیه السلام به رفاعه یکی دیگر از کارگزاران خویش می‌فرماید: «و اعلم یا رفاعه ان هذه الامارة امانة فمن جعلها خيانة فعليه لعنة الله الي يوم القيامة»

(ای رفاعه، بدان که این امارت و مدیریت، امانتی است که هرکس به آن خیانت کند، لعنت خدا تا روز قیامت بر او باشد.) (نهج البلاغه، ۱۳۷۹، ص ۳۶)

با توجه به ضرورت معرفی برخی از شاخص‌های مدیریت علوی و بهره‌گیری مدیران در نظام جمهوری اسلامی ایران از این شاخص‌ها، در این کار پژوهشی که از نوع کتابخانه‌ای، توصیفی، تحلیلی است، برخی از این ویژگی‌ها بیان و تحلیل‌های لازم ارائه شده است. آنچه مهم و مد نظر است این است که بدانیم مدیران ما باید چه ویژگی‌هایی داشته باشند و در کدام بخش‌ها موفق و در کدام بخش آن ناموفق بوده ایم.

۲-حیطه اختیار و مسئولیت‌های زمامداران و مدیران

آنچه از متون مختلف اجتماعی و بررسی شاخص‌ها در معارف اسلامی و دینی نتیجه گرفته می‌شود، این است که در حکومت

های استبدادی و طاغوتی، حاکمان زورگو و متکبر بوده و خود را از بقیه جدا دانسته و با منیت و خود برتر بینی، جامعه

تحت حاکمیت خود را صالح برای مشورت و شایسته برای همفکری نمی‌دانستند و تلاش آنها همواره بر این بوده که

مستبدانه حکومت کرده و خود را ارباب و مردم را رعیت و بنده و برده خود بدانند و از نگاه این حاکمان مردم حق

هیچ پرسشگری، مطالبه‌گری، نظر و نقد و بیان خواسته‌های خود را نداشته و حکومت نیز ضرورتی به پاسخگویی و

توضیح در قبال عملکرد و درخصوص اقدامات خود به مردم ندارد. لذا قرآن وقتی می‌خواهد اوج این استبداد و خودکامگی

را مثال زده مصداق عینی بیان نماید، به ماجرای فرعون اشاره می‌کند که خود را برترین خدای روزگار می‌دانست و مردم را

تحقیر کرده و از هر حقی محروم می‌دانست. «فَاسْتَخَفَّ قَوْمِهِ فَاطَاعُوهُ إِنَّهُمْ كَانُوا قَوْمًا فَاسِقِينَ» (زخرف، آیه ۵۴)

(فرعون قوم خود را سبک شمرد (و فریب داد) در نتیجه از او اطاعت کردند، به یقین آنان قومی فاسق بودند). پس در این مدل

حکومت، حاکمیت به واسطه خوی و مشی استبدادی خود همواره رو به روی مردم خویش ایستاده و معتقد است ایمان مردم

هم باید با اجازه حاکم باشد. آن هم حاکمانی که نصب الهی نداشته و به تمام معنا جلوه ای از طاغوت و خودکامگی هستند که

قرآن مجید در این زمینه موضوع ایمان آوردن ساحران به حضرت موسی علیه السلام پس از مشاهده معجزات را ذکر کرده و

آنگاه که ساحران به خدای موسی علیه السلام و آیین یکتاپرستی متمایل شدند، فرعون با خودکامگی و استبداد ورزی خاص

خود بیان می‌دارد که «أَمَنْتُمْ لَهُ قَبْلَ أَنْ أَدْنَ لَكُمْ» (طه آیه ۷۱) (آیا به او ایمان آوردید قبل از آن که به شما اجازه دهم؟) آنچه

در این خصوص لازم به بیان است، این است که مردم در حکومت دینی و اسلامی حقوق و وظایفی دارند که از مهم‌ترین آنها

حق مطالبه‌گری، پرسشگری و توضیح خواستن از حاکمان است و حتی می‌توانند آنها را به چالش بکشند. ولی متأسفانه در

برخی از دوران در کشور، ما شاهد این موضوع هستیم که این مدل حکومت علوی و اسلامی یعنی الگوگیری از مدیریت نبوی و

علوی در برخی بخش‌ها اجرایی نشده و حتی انحراف دقیق و روشن و مشخصی از این مدل هم ایجاد شده است.

تفکر کارگزاران سازندگی و مدل اجرایی، در دوران ریاست جمهوری حضرت آیت الله هاشمی رفسنجانی نشان داد که مشی و

مرام دولت ایشان در عمل، علوی نبوده و نتیجه حاکمیت این تفکر در بدنه اجرایی و مدیریتی کشور سبب گردید شبیخون

فرهنگی، تهاجم فرهنگی و ناتوی فرهنگی در کشور رشد یافته و خوی اشرافی‌گری در جامعه ترویج یابد. لذا این موضوع در

بدنه اجرایی کشور ما متأسفانه رسوخ کرد و طی این ۴ دهه، نمونه‌های نامناسبی از این شیوه را شاهد هستیم تا جایی که مقام

معظم رهبری در بیانیه گام دوم با صراحت تمام به موضوع جمهوری اسلامی و فاصله میان باید ها و واقعیت‌های اشاره کرد و

عنوان می‌کنند که "انقلاب اسلامی همچون پدیده‌ای زنده و با اراده، همواره دارای انعطاف و آماده تصحیح خطاهای خویش

است، اما تجدیدپذیر و اهل انفعال نیست، بلکه از نظریه نظام انقلابی تا ابد دفاع می‌کند. بی شک فاصله میان باید ها و واقعیت ها طی شدن از در مواردی بارها طی شده و بیشتر در آینده با حضور نسل جوان مومن و دانا و پر انگیزه با قدرت بیشتر طی خواهد شد.

۳- نگاه به خود و شناخت مسئولانه از خود

در مدیریت علوی نگرش به مدیریت، انسانی است. زیرا آنچه در افق مدیریت مد نظر است موضوع انسان است. انسانی که از روح الهی در کالبد جسمانی او دمیده شده است. لذا این انسان باید در پذیرش مسئولیت به گونه‌ای به خود نگاه کند که آیا اهلیت لازم را برای پذیرش این مسئولیت دارد یا صرفاً هدف او این است که جایگاهی را تصاحب نماید که بدون شک در صورت پذیرش مسئولیت بدون استحقاق شرایط آن، هم به خود و هم به جامعه ستم کرده است و خیانتی بالاتر از این نیست که با این پذیرش مسئولیت، سبب تضییع حقوق مردم شده است. بدون شک این گونه افراد ضمن بی اعتبار کردن خود، به مردم ستم روا می‌دارند.

امام صادق علیه السلام فرمود: سزاوار نیست که مومن نفس خود را خوار نماید. پرسید: چگونه؟ فرمود: «يَتَعَرَّضُ لِمَا لَا يُطِيقُ»

(حرّ عاملی، ج ۱۱ ص ۴۲۵)

رسول گرامی اسلام در این خصوص و با توجه به ضرورت شایسته سالاری در نظام انتخاب مدیران حکومتی در اسلام می‌فرماید:

« مَنْ تَقَدَّمَ عَلَى قَوْمٍ مِنَ الْمُسْلِمِينَ وَ هُوَ يَرَى أَنَّ فِيهِمْ مَنْ هُوَ أَفْضَلُ مِنْهُ فَقَدْ خَانَ اللَّهَ وَ رَسُولَهُ وَ الْمُسْلِمِينَ »

(هرکس در پذیرش مسئولیت از دیگر مسلمانان پیشی گیرد، حال آنکه می‌داند در میان آنان افرادی توانمند وجود دارند او به خدا و رسول او و مسلمانان خیانت کرده است) (امینی، ۱۳۸۷، ج ۸ ص ۲۹۱)

بررسی و تحلیل سبک مدیریتی در طی چهار دهه از حیات مبارک نظام حکومت جمهوری اسلامی ایران نشان می‌دهد که در برخی مناصب و جایگاه‌ها، متاسفانه افراد و اشخاص هم از نظر فردی و هم از نظر جایگاه اجتماعی و منزلت در جامعه، لیاقت و شایستگی لازم را برای تصدی مسئولیت و مناصب در اختیار گرفته، نداشته ولی وجود سلايق خاص و حمایت‌های حزبی، باندي و رانت‌های فعال و موثر در جامعه سبب شده آنها وارد جرگه مدیران و مسئولان در حاکمیت شده و آثار سوء مدیریت آنها سبب بروز مشکلات عدیده ای برای کشور شده است. کنکاش در حوزه‌های علمی و فرهنگی، اجتماعی و ورزشی به خوبی نشان می‌دهد که اتفاقات تلخی در این زمینه برای کشور و خسارت‌های زیاد آبرویی و فردی برای اشخاص و افراد به دلیل عدم

تجانس جایگاه واگذار شده و فرد گیرنده مسئولیت ایجاد شده است و چه بسا جبران برخی خسارات به سادگی قابل انجام نخواهد بود.

۴- نگاه مسئولانه همراه با تدبیر به مناصب حکومتی و شناخت دقیق از آن

تدبیر یکی از مفاهیم بنیادین در علم و حوزه مدیریت است. مدیر موفق کسی است که به تدبیر شهرت داشته و بدین صفت آراسته باشد. (آذردهشتی، ۱۳۸۶ ص ۱۲)

امام علی علیه السلام در این زمینه می فرماید: سوء التدبیر سب التدمیر؛ بد تدبیری عامل نابودی است. (آمدی، ۱۳۷۸ ص ۱۲۶)

همچنین ایشان حسن تدبیر را عامل توسعه اقتصادی و مانع فقر معرفی می کند و می فرماید: «لا فقر مع حسن التدبیر؛ با تدبیر نیکو فقری نخواهد ماند.» (آمدی ۱۳۷۸ ص ۴۳۷)

نوع نگاه به مسئولیت، بسیار مهم و ارزشمند و حیاتی است. بطوری که سبب شکل‌گیری اخلاق اسلامی و ارائه یک مدیریت و زمامداری شایسته شده، مسئولی که وارد عرصه و چرخه مدیریت می شود این فرصت را امانت و توفیق خدمت می‌داند و در پیشگاه خداوند قادر متعال با خود عهد می بندد که امانت داری شایسته و مسئولی برخوردار از اوصاف مدیریت اسلامی و دینی به ویژه مدیریت علوی باشد. او به خوبی می داند که از توصیه‌ها و تذکرات امام علی علیه السلام در نوع نگاه به موضوع مدیریت همین بحث امانت بودن مسئولیت است. آنجا که حضرت در نامه ای به یکی از کارگزاران خود می فرماید:

«ان عملک لیس لک بطعمه و ش لکنه فی عُنُقک أمانة» (منصبی که داری نه طعمه، که امانتی بر عهده تو میباشد) (نهج البلاغه، ۱۳۷۹، نامه ۵ ص ۸۳۹).

اگر فردی که این مسئولیت را می‌پذیرد به سنگینی و بزرگی آن توجه کرد و آن را سکوی پرتاب و جهش مدیریتی و وسیله کسب شان و نام نداند، بدون شک درک خواهد کرد که می‌بایست پاسخگوی صاحبان امانت یعنی مردم که ولی نعمت‌های مسئولین هستند بوده، نسبت به برنامه ریزی معقول و شایسته و انجام امور اقدام نماید.

امام علی علیه السلام در ادامه نامه شماره ۵ خود خطاب به کارگزار خود می فرماید: «لیس لک آن تفتات فی رعیه و لا تخاطر إلا بوثیقته و فی یدک مال من الله و انت من خزانه» (حق نداری نسبت به رعیت استبداد ورزی و بدون دستور به کاری مهم اقدام نمایی، در دست تو اموالی از ثروت‌های خداوند بزرگ است و تو خزانه دار آنی) (همان)

آسیب شناسی مدیریتی در گام اول انقلاب اسلامی از استقرار نظام مقدس جمهوری اسلامی تا دهه چهارم آن که مبین چهار دهه بالندگی، تعالی و پیشرفت و ترقی در جهت احیای مدیریت علوی و اسلامی است، می‌تواند بر اساس شاخص های مدیریت علوی و بیانیه گام دوم مقام معظم رهبری ضمن برطرف کردن عیوب و ضعف های مدیریتی و درس گرفتن از آسیب های مدیریت لیبرالی، غرب‌گرا، انفعالی و عدم اکتفا به توان نیروهای شایسته و لایق داخلی، زمینه‌ساز تحقق مدیریت علوی و اسلامی به بهترین وجه ممکن را فراهم آورده و موجبات تحقق جامعه اسلامی و تمدن نوین اسلامی را ایجاد کند.

مقام معظم رهبری در بیانیه گام دوم در این خصوص می‌فرماید: «برای برداشتن گامهای استوار در آینده، باید گذشته را درست شناخت و از تجربه‌ها درس گرفت. اگر از این راهبرد غفلت شود، آینده مورد تهدید های ناشناخته قرار خواهد گرفت». شرحی بر بیانیه گام دوم - بهمن ۱۳۹۷، مقام معظم رهبری).

۵- کسوت خدمتگزار بودن مدیر و نگاه مسئولانه به شهروندان

در بینش اسلامی، مدیریت به عنوان خدمتگزار مردم بودن، مطرح می‌شود. حقوق مردم از والاترین حق ها به شمار می‌آید. مدیر باید مدیریت را برای خدمت بخواهد و نباید مدیریت وسیله حاکمیت بر دیگران باشد. مدیریت در جهت خدمت‌گزاری اقامه حق و عدل و دفع باطل و ظلم می‌کند. (احدی، ۱۳۹۰، ص ۵۴).

رعایت حقوق شهروندان از وظایف مدیران اسلامی و علوی است. امام علی علیه السلام این حق را ناشی از توحید دانسته و می‌فرماید: «إِنَّ اللَّهَ..... فَضَّلَ حُرْمَةَ الْمُسْلِمِ عَلَى الْحُرْمِ كَلِّهَا وَ شَدَّ بِالْإِخْلَاصِ وَ التَّوْحِيدِ حَقُوقَ الْمُسْلِمِينَ»

(خداوند، حرمت مسلمانان را بر هر چیزی برتری داده و حقوق آنان را با اخلاص و یگانه پرستی پیوند داده است.) (نهج البلاغه، ۱۳۷۹، خطبه ۱۶۶ ص ۵۴۴).

زمانی که نگاه به مسئولیت از جنس تقوا و خداترسی و خدمتگزاری باشد، بدون شک زمامدار سعی می‌کند ضمن آگاه ساختن مردم و جامعه تحت حاکمیت خود، مردم را به حقوقشان آشنا کرده و سیستم اداری را به نظامی حقوق مدار با رعایت شاخص‌های مطرح شده در حوزه‌های دینی و الهی مبدل کند.

امام علی علیه السلام در این مورد برخی از حقوق مردم را برشمرده و می‌فرماید: «إِيهَا النَّاسُ... فَمَا حَقُّكُمْ عَلَى فَالْنَّصِيحَةَ لَكُمْ وَ تَوْفِيرَ فَيْتَكُمْ عَلَيْكُمْ وَ تَعْلِيمَكُمْ كَيْلَا تَجْهَلُوا وَ تَادِيْبَكُمْ كَيْلَا تَعْلَمُوا»

(ای مردم حق شما بر من آن است که از خیرخواهی شما دریغ نوزم و بیت‌المال را عادلانه تقسیم کنم، شما را آموزش دهم تا بی سواد ننماید و به گونه ای تربیتتان کنم که راه و رسم زندگی را فرا گیرید) (نهج البلاغه، ۱۳۷۹، خطبه ۳۴ ص ۱۱۴)

امام علی علیه السلام به عنوان زماندار حکومت اسلامی زمانی که کفش پاره خود را می دوخت در جواب ابن عباس که می پرسید قیمت این کفش چقدر است، فرمود: «والله لهی احوالی من امرتکم الا ان اقیم حقا او ادفع باطلا».

(به خدا سوگند این کفش کهنه پر از وصله نزد من از حکومت بر شما محبوب تر است. ولی من که این حکومت را پذیرفته‌ام، به خاطر این است که حقی را ثابت کنم و باطلی را از میان بردارم) (تقوی دامغانی ۱۳۷۲ ص ۴۲)

مقام معظم رهبری در مورد افزایش چشمگیر معنویت و اخلاق در فضای عمومی جامعه می فرماید: «رویکرد دینی و اخلاقی در جمهوری اسلامی دل‌های مستعد و نورانی به ویژه جوانان را مجذوب کرده، فضا به سود دین و اخلاق دگرگون شد. و این معجزه ای دیگر از انقلاب و نظام اسلامی فعال و پیشرو است.»

پس از ثمرات نگاه مسئولانه به شهروندان و خدمتگزاران آنها، ترویج اخلاق و معنویت در جامعه و رعایت انصاف و توجه به حقوق مردم و ایجاد فضای مطالبه‌گری و گسترش فرهنگ خدمت صادقانه و بی مزد و منت به مردم است و به زمامداران می‌آموزد که مردم ولی نعمت آنها هستند و خدمتگزاری مسئولان وظیفه است و در این مورد منتی بر مردم ندارند.

۶- نگاه مسئولانه به بیت‌المال و صرفه‌جویی در اموال عمومی

در سازمان‌ها به ویژه سازمان‌های دولتی و عمومی، بخشی از اموال و امکانات دولتی و عمومی در اختیار مدیران و مسئولان سازمان قرار دارد تا از آنها در موارد معین و مشخص و یا مواردی که نیاز و ضرورت احساس می‌شود بر اساس اختیارات قانونی و یا طبق تشخیص آنان بهره‌برداری شده و مورد استفاده قرار گیرند. درست است صرفه‌جویی و جلوگیری از اسراف باید به عنوان یک اصل اسلامی در زندگی خصوصی نیز مورد توجه قرار گیرد، لیکن در مورد اموال عمومی و بیت‌المال تاکید بیشتری به رعایت آن شده است. (ابوطالب خدمتی، علی آقا پیروز، عباس شفیعی، ۱۳۸۲، ص ۲۹).

با توجه به مسئولیت متصدیان امر در حکومت اسلامی و علوی در خصوص حفظ و نگهداری بیت‌المال، وظیفه آنان ایجاب می‌کند نهایت تلاش را به کار برده تا در زمینه حراست از بیت‌المال اهتمام ورزیده و از هدر رفت سرمایه‌های ملی و مردمی جلوگیری شود.

در سیره عملی امام علی علیه السلام مشاهده می‌شود که ایشان پس از تقسیم عادلانه بیت‌المال و جارو کردن انبار، دو رکعت نماز به جای آورد و فرموده: «ای بیت‌المال در روز قیامت گواهی دهید که علی بیت‌المال را به عدالت تقسیم کرد و از آن برای خود چیزی ذخیره نکرد.» (ثقفی کوفی، ابراهیم بن محمد، بی تا، ج ۱، ص ۴۶).

امام علی علیه السلام پیش از سفارش دیگران به صرفه جویی در بیت‌المال و بیش از همه ی کسانی که مخاطب آن حضرت هستند، خود در مصرف بیت‌المال دقیق بوده و از هرگونه اسراف پرهیز می‌کرد. صرفه جویی آن حضرت در بیت‌المال مسلمانان به حدی است که حاضر نشد برای پاسخگویی به کسانی که شب هنگام برای کار شخصی به او مراجعه کرده بودند، از نور چراغ بیت‌المال استفاده کند. در منابع تاریخی نقل شده است که شبی طلحه و زبیر برای پاره‌ای از مسائل شخصی خود خدمت امام علی علیه السلام رسیدند. امام در آن حال مسئول رسیدگی به امور بیت‌المال بود. وقتی آن دو وارد شدند، آن بزرگوار چراغ بیت‌المال را خاموش کرد و فرمود تا از خانه چراغ دیگری آورند و حاضر نشد تنها چند دقیقه از نور چراغ بیت‌المال برای مسائل شخصی استفاده شود. (محمدی ری شهری، محمد، ۱۴۲۱ق، ج ۴ ص ۲۲۱)

یکی از مظاهر هدر دادن بیت‌المال موضوع فساد اقتصادی، اخلاقی، سیاسی مدیران و مسئولین است. مقام معظم رهبری در بیانیه گام دوم خطاب به جوانان می‌فرماید: « به جوانان عزیزی که آینده کشور چشم انتظار آنهاست صریحاً می‌گویم آنچه تاکنون شده با آنچه باید می‌شده و بشود، دارای فاصله ژرفی است. ولی برای اجرای شایسته آن چشم امید به شما جوان هاست. عدالت و مبارزه با فساد، این دو لزوم لازم و ملزوم یکدیگرند. فساد اقتصادی و اخلاقی و سیاسی توده چرکین کشورها و نظام‌ها و اگر در بدنه حکومت عارض شود زلزله ویرانگر و ضربه زننده به مشروعیت آنهاست و این برای نظامی چون جمهوری اسلامی که نیازمند مشروعیت فراتر از مشروعیت‌های مرسوم و مبنایی تر از مقبولیت اجتماعی است، بسیار جدی تر و بنیانی تر از دیگر نظام‌هاست. وسوسه مال و مقام و سیاست حتی در علوی ترین حکومت تاریخ، یعنی حکومت خود حضرت امیرالمومنین علیه السلام، کسانی را لغزاند. پس خطر بروز این تهدید در جمهوری اسلامی هم که روزی مدیران و مسئولانش سابقه زهد انقلابی و ساده زیستی می‌دادند، هرگز بعید نبوده و نیست و این ایجاب می‌کند که دستگاهی کارآمد با نگاهی تیزبین و رفتاری قاطع در قوای سه‌گانه حضور دائم داشته باشد و به معنای واقعی با فساد مبارزه کند به ویژه در درون دستگاه‌های حکومتی. (شرحی بر بیانیه گام دوم مقام معظم رهبری ۱۳۹۷).

در سال‌های اخیر در جمهوری اسلامی ایران شاهد تزییع بیت‌المال و گسترش موضوع اختلاس و هدررفت حقوق ملت از سوی تعدادی از مدیران و مسئولین در برخی سطوح مختلف بوده ایم و بخصوص در شوراهای اسلامی شهر و روستا این موضوع دارای شتاب بیشتری بوده و آمار بازداشت اعضای شوراها نشان دهنده تجاوز آشکار به بیت‌المال و ضایع کردن حقوق مسلم مردم بوده است. آمارهای برخورد قوه قضائیه با متخلفین و کسانی که بیت‌المال مسلمین را در این کشور تاراج نموده گواه دقیقی بر عدم صرفه جویی در بیت‌المال و شاهد مشخص و روشنی بر غارت بیت‌المال توسط برخی مدیران در بعضی

حوزه ها است . لذا مقام معظم رهبری امیدوار است در گام دوم انقلاب، شاهد رنگ باختن این موضوع و گسترش عدالت و مبارزه با فساد باشیم.

معمار کبیر انقلاب اسلامی ایران حضرت امام خمینی (رض) در مورد مصرف صحیح و درست بیت المال می گوید:

« بیت المال مسلمین را بزرگ بشمارید. حکومت های اسلامی باید بیت المال مسلمین را برای جلال و جبروت خودشان مصرف نکنند. بیت المال مسلمین صرف آن چیزی شود که برای مسلمانان اختصاص یافته است.» (خمینی، ۱۳۹۶، نشریه سروش، شماره ۳۰۹ ص ۱۲).

۷- پیشگیری از سوء استفاده اطرافیان و مبارزه با رانت خواری

اصطلاح «رانت خواری» که چند سالی است در ادبیات کشورمان به کار برده می شود، به معنای استفاده مادی و معنوی از ارتباطات ویژه و جایگاه و موقعیت خاص افراد نزد مدیران و مسئولان می باشد. کسانی که در ارتباط ویژه ای با مدیران و مسئولان باشند و از نزدیکان و خواص آنان به شمار می روند و انتظارات خاصی از آنها دارند و سعی می کنند از این قرابت و موقعیت ویژه استفاده کرده و از منابع و امکانات سازمان بیشتر از دیگران استفاده کنند و منافع مادی و معنوی فراوانی برای خود جلب کنند. (ابوطالب خدمتی، علی آقا پیروز، عباس شفیعی، ۱۳۸۲، ص ۱۲۶).

امام علی علیه السلام در نامه ای به مالک اشتر توصیه های ویژه ای در این زمینه به ایشان دارد و می فرماید «زمامداران را خواص و نزدیکانی است که خودخواه و چپاولگرند و در معاملات از انصافی اندک برخوردارند. از این رو با بریدن اسباب آن، ریشه ستمکاریشان را بخشکان و به هیچ یک از حاشیه نشینان و حامیان خود زمینی را وامگذار و با آنان به گونه ای رفتار نما که برای انعقاد قراردادهایی که به مردم زیان رساند بر تو طمع نکنند. مانند قراردادهای مربوط به آبیاری و هر قرارداد مشترکی که هزینه آن را بر دیگران تحمیل می کنند. در این صورت است که سودش برای آنان و ننگش در دنیا و آخرت برای تو خواهد ماند.» (نهج البلاغه، ۱۳۷۹، نامه ۵۳ ص ۱۰۳۵)

از این سخن مولای متقیان امام علی علیه السلام، می توان استنباط کرد که سلوک و سیره عملی مدیر یا مسئول باید به گونه ای باشد که اطرافیان طمع نکنند و انتظار نداشته باشند که او به نفع آنها و به ضرر دیگران کاری را انجام دهد. مدیر و مسئول باید طوری رفتار نماید که نزدیکان و اطرافیان او بدانند و یقین داشته باشند که او مرتکب کاری نخواهد شد که به نفع نزدیکان خود باشد و سایر مردم از این امر متضرر گردند. بنابراین مدیر باید با سلوک و روش عملی خود از انتظارات و طمع های بیجا و

بی‌مورد نزدیکان و اطرافیان خود پیشگیری نماید و طوری رفتار کند که آنان چنین توقعاتی از او نداشته باشند. (ابوطالب خدمتی، علی‌آقا پیروز، عباس شفیعی، ۱۳۸۲ ص ۱۲۷)

با نگاهی به بیانیه گام دوم مقام معظم رهبری، انتظار می‌رود مواردی از سوء استفاده در دولت‌های مختلف که در طی ۴۰ سال اول انقلاب اتفاق افتاده و موضوع رانت و پارتی بازی و لابیگری که بعضاً در درون دولت‌ها و مجالس مختلف نیز مشاهده شده است و به یک نوع نگرانی و حتی اعتماد زدایی در جامعه مبدل شده است، خاتمه یافته و مبارزه با فساد و مظاهر آن و بستن منافذ و معبرهای رانت و فساد مدیران و مجموعه‌ها به یک خواست عمومی مبدل شده و سیستم نظارتی به ویژه قوه قضاییه بدون اغماض به موضوع ورود کرده و تلاش کند ضمن ایجاد اعتماد مردمی و برخورداری از حمایت مردم، ریشه فساد را خشکانده و گلوگاه مبنای فساد را شناسایی و تعطیل نماید. بدون شک توقع مردم در حکومت اسلامی و علوی این است که ماجرای عقیل و اقدام حضرت علی علیه السلام یک درس عملی و آینه عبرت و اقدام و عمل برای همه مدیران کشور در بالاترین سطوح حاکمیت تا جزئی‌ترین سطوح مدیریتی بوده و جامعه شاهد تداوم این آسیب‌ها که به امنیت روحی روانی اخلاقی دینی و اجتماعی مردم لطمه وارد می‌کند، نباشد.

« به خدا سوگند برادرم عقیل را دیدم که بشدت تهی دست شده و از من می‌خواست تا از بیت المال منی‌گندم به او ببخشم. کودکانش را دیدم که از فرط گرسنگی موهایشان ژولیده و رنگشان چنان تیره شده بود که گویا با نیل رنگ کرده بودند. پی در پی مرا دیدار کرد و درخواست خویش را تکرار نمود. چون به گفته‌های وی گوش فرا دادم، پنداشت که دین خود را به او واگذار کرده به دلخواه او رفتار می‌کنم و از راه و رسم عادلانه خود دست بر میدارم. روزی آهنی را به آتش گذاختم و به جسم او نزدیک ساختم تا او را بیازمایم. او که نزدیک بود از شدت حرارت آن بسوزد، مانند فردی بیمار از درد فریاد زد. به او گفتم: ای عقیل! گریه‌کنندگان بر تو بگریند. از حرارت آهنی که انسانی آن را گرم ساخته می‌نالی. اما مرا به آتش دوزخ می‌خوانی که خدای جبار آن را با خشم خود گذاخته است. (نهج‌البلاغه، ۱۳۷۹، خطبه ۲۱۵ ص ۷۱۳)

۸- نگاه مسئولانه به کارگزاران و شایسته‌سالاری در گزینش توأم با نظارت و ارزشیابی آنها

در نظام حکومت اسلام و مدیریت علوی، مدیران و زمامداران وظیفه دارند نسبت به کارگزاران و همکاران خود و کسانی که با آنها همکاری می‌کنند نهایت دقت و توجه را داشته و تلاش کنند گزینش کارکنان و استخدام نیروها و به کار گماردن افراد بر مبنای شاخص‌های دینی و قانونی بوده و از هرگونه اعمال سلیقه فردی و شخصی که بر مبنای سلیقه قومی قبیله‌ای، گروهی، حزبی، رفاقت‌های خانوادگی، احساس و امنداری و دین و مدیون بودن و امثال اینهاست، پرهیز نموده و شایسته‌سالاری واقعی با توجه به قوانین دینی و اداری بدون دخل و تصرف در قوانین تفسیر شخصی و استنباط نفسانی را اعمال نمایند.

حضرت ختمی مرتبت محمد مصطفی صلی الله علیه وآله به عنوان الگوی انسان کامل این موضوع را با قاطعیت و ذکر داده و فرموده است: «من استعملَ عاملاً منَ المسلمینَ و هو یعلمُ أنّ فیهم اولىَ بِذَکِ مِنْهُ و اعلمَ بکتابِ الله و سنّةِ نبیّه فقد خانَ الله و رسوله و جمیعَ المسلمین».

هرکس فردی از مسلمانان را به کار گمارد در حالی که او می‌داند در میان مسلمانان افرادی سزاوارتر و آگاه‌تر به کتاب خدا و سنت پیامبر وجود دارند او در حقیقت به خدا و رسول خدا و تمام مسلمانان خیانت کرده است. (حرعاملی، ۱۴۲۲ق، ج ۶ ص ۲۳۳).

بررسی سیره مدیریتی حضرت علی علیه السلام بیانگر این نکته است که آن حضرت توجه خاصی به نظارت مستقیم و غیر منتظره داشته و تلاش می‌کرد که شخصاً بر عملکردها و امور مختلف نظارت داشته باشد. به عنوان مثال آن حضرت هر روز صبح به بازار کوفه می‌رفت و بر نحوه رفتار فروشندگان و تجار نظارت می‌کرد. امام محمد باقر علیه السلام در این باره می‌فرماید: «سیره امیر مومنان علی علیه السلام اینگونه بود که هر روز صبح به تک‌تک بازارهای کوفه سر میزد. در حالیکه تازیانه‌ای دوشاخه به نا «سببیه» به همراه داشتف در هر بازار می‌ایستاد و با صدای بلند ندا میداد: ای تجارت‌کنندگان، پیش از هر داد و ستدی از خداوند خیر و نیکی بطلبید و با آسان‌گیری در معامله از خدا برکت جوید و با خریداران نزدیک شوید (گران نفروشید) تا از شما نگریزند و خود را به زینت حلم و بردباری آرایش دهید و از دروغ گفتن و قسم خوردن بپرهیزید و از ستم‌کناره‌گیری و با مظلومان به انصاف رفتار نمایید و به رباخواری نزدیک نشوید و پیمان‌ها و ترازو پُر (کامل‌گیری) و از اموال مردم چیزی نکاهید) و در زمین فساد نکنید. امام به همه بازارهای کوفه می‌رفت و این سخنان را می‌فرمود. (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۴۱ ص ۱۰۴).

آنچه در گام دوم انقلاب اسلامی مهم می‌باشد این مطلب است که برای تحقق مدیریت علوی و اسلامی باید نهایت دقت در انتخاب کارگزاران و مسئولین امور صورت پذیرد و اشخاصی انتخاب و انتصاب شوند که امانت‌داری و نفی خودکامگی و خدا ترسی و باتقوایی آنها مشخص شود.

متأسفانه در چهل سال اول انقلاب این موضوع در برخی موارد جدی گرفته نشد و کشور متحمل خسارات سنگین و جبران‌ناپذیری گردید. از این رو ضرورت دارد در مسیر تحقق بیانیه گام دوم و تمهید مقدمات برای نهادینه کردن مدیریت علوی و اسلامی یک آسیب‌شناسی جدی از آنچه سبب بروز خسارت مادی و معنوی به انقلاب و نظام اسلامی و مردم ایران زمین گردید، به عمل آمده و با تقویت حوزه نظارت و به کارگیری انسان‌های شایسته، با کرامت، سالم و صالح در پررنگ کردن بعد نظارتی و پرهیز از مسامحه کاری و منفعت‌طلبی و اغماض غیرضرور نهایت اهتمام و تلاش لازم صورت پذیرد و این سخن امام

علی علیه السلام آویزه گوش حاکمان و مسئولین حاکمیتی باشد که: رفتار کارکنان خویش را بررسی نما و جاسوسانی راستگو و وفا پیشه بر آنان بگمار. چرا که مراقبت پنهانی از کار آنان، سبب امانتداری آنان و مهربانی با رعیت خواهد شد. از همکاران نزدیکت سخت مراقبت کن. پس اگر یکی از آنها خیانت کرد و گزارش جاسوسان تو آن را تایید نمود، او را با تازیانه مجازات کن و آنچه از اموال که در اختیار دارد از وی بازپس بگیر، سپس او را خوار و خیانتکار شمار و طوقه بدنامی به گردنش افکن. (نهج البلاغه، ۱۳۷۹، نامه ۵۳ ص ۱۰۱۲-۱۰۱۱).

یکی از نکات مهمی که در این جا باید اشاره شود، بحث ضرورت اختصاص بخشی از وقت مدیر در طول هفته برای ملاقات و ارتباط مستقیم با زیردستان است. مدیر از این طریق هم می تواند از نیازها و مشکلات و گرفتاری های زیردستان خود آگاه شود و با اتخاذ تدبیر برای حل آنها به کارکنان خود روحیه و انگیزه مضاعف بخشیده و سبب تقویت کار و فعالیت آنها را فراهم آورد، و هم با آشنایی با مشورت کارکنان، از مشکلات سازمان نیز مطلع شده و با اقدام به موقع و تلاش برای حل و فصل آنها موفقیت و پیشرفت سازمان را تضمین باید. لذا امام علی علیه السلام به مالک اشتر دستور می دهد که با مردم ارتباط مستقیم داشته باشد و از نزدیک به حرفها و نقطه نظرات آنها گوش دهد و از فاصله گرفتن از آنها بپرهیزد. ایشان می فرماید: «فلا تَطُولَنَّ احْتِجَابَكَ عَنِ رَعِيَّتِكَ»

(مبادا به مدت طولانی خود را از مردم دور نگاهداری) (نهج البلاغه، ۱۳۷۹، نامه ۵۳).

در بحث نظارت، بازرسی پنهان ماموران ویژه (عیون) مهم بوده و عده ای مأموریت دارند به صورت مخفی و بدون اینکه مدیران متوجه ناظر آنها باشند، فعالیت های کارکنان را زیر نظر داشته باشند و پس از بررسی عملکرد آنان، نتیجه را به مدیر سازمان یا افراد موثر دهند. از نظر فقهی هم مقتضای عقل و شرع این است که علاوه بر احراز وجود شرایط و اوصاف معتبر و اهلیت لازم در کارگزاران و مسئولان کشوری و لشکری، یک مراقبت و نظارت پنهانی بر رفتار و اعمال آنها وجود داشته باشد. (منتظری ۱۳۶۷، ج ۴ ص ۳۰۹).

۹-مدارا با مردم

از آثار مثبت سیستم نظارت و کنترل در سازمان از نگاه امام علی علیه السلام، مدارا کردن کارکنان با مردم و ارباب رجوع در رسیدگی مطلوب به درخواست های آنان است. ضرورت این امر وقتی نمود بیشتری پیدا می کند که بدانیم امروزه رضایت مردم از عملکرد سازمانها و ادارات مختلف به ویژه سازمان های دولتی تا حدود زیادی کاهش یافته و شکایت فراوانی در این زمینه به مراجع مربوطه ارسال می شود. این نارضایتی و شکایت ریشه در نحوه رسیدگی آنها به کار مردم و شیوه برخورد آنها با ارباب رجوع دارد. به ویژه کار مردم را به امروز و فردا سپردن و طولانی شدن بیش از حد و اندازه فرایند انجام برخی کارها، سبب بروز

ناراحتی مردم می شود. درست است که منشا برخی از مشکلات وجود بعضی قوانین و مقررات خشک و دست و پاگیر اداری است، اما موضوع نارضایتی مردم، وجود و یا اجرای قوانین و مقررات نیست. بلکه عمدتاً نحوه برخورد عملکرد برخی کارکنان و مدیران است که چنین موضوعی را سبب شده است. وجود سیستم جامع کنترل و نظارت قوی می تواند در کنترل و اصلاح روش های برخورد و تعامل مدیران با مردم چاره کار باشد. لازم است در این مورد سفارش به سخن امام علی علیه السلام به مالک اشتر اشاره کنیم که فرمود «فان تعاهدك في السر حدوده لهم على استعمال الامانة والرفق بالرعية»

(همانا نظارت پنهانی تو باعث می شود که آنان (کارگزاران) به امانت داری و مدارا کردن با مردم ترغیب شوند (نهج البلاغه، ۱۳۷۹، نامه ۵۳).

تذکر این مطلب ضروری است که تحقق شعار سال در صورتی ممکن است که این شاخصه های مدیریتی عملیاتی گردد و مدیران حوزه های استراتژیک خاصه در حوزه صنعت و اقتصاد و فرهنگ که زیربنای پیشرفت و توسعه کشور هستند از این ویژگی ها برخوردار شوند. لذا حاکمیت باید در همه ابعاد دنبال نصب و مردم دنبال انتخاب نیروهایی باشند که این خصوصیات اصلی و اساسی را دارا باشند تا به تحقق عملی شعار سال و برآورده شدن اهداف والای مقام معظم رهبری نایل گردند. ان شاء الله

۱۰- نتیجه گیری:

دین مبین اسلام، کاملترین دین الهی است که نقش سرنوشت ساز و بی نظیری در تاریخ حیات بشری دارد. در دین مقدس اسلام مدیریت و زمامداری، امانتی است الهی و با توجه به نقش انسان به عنوان خلیفه خدا بر روی زمین نگاه به مدیریت هم باید نگاهی الهی و برگرفته از کتاب مقدس قرآن باشد. در این نگاه مدیریتی، وظیفه مدیر، رشد و تعالی زیردستان و تکامل معنوی و فضائل اخلاقی نظیر صداقت، ایثار، درستکاری، وجدان کاری و مانند اینهاست. نهج البلاغه که مجموعه ای از نامه ها و سخنان و گفتارهای مولی الموحدين حضرت امام علی علیه السلام است، منبع ارزشمندی از اندیشه های مدیریتی اسلامی و علوی است و می توان با استفاده از این منبع بزرگ، بهترین روش های مدیریت و فنون اداره جامعه و رهبری را استخراج و عملیاتی نمود. بدون شک اگر اصول و مبانی و شاخص های مدیریتی معرفی شده در نهج البلاغه توسط مدیر و مدیران در جامعه اسلامی مورد استفاده واقع شود، جامعه به بهترین وجه ممکن به تعالی و ترقی و سعادت خواهد رسید. ان شاء الله

منابع:

- ۱- قرآن کریم
- ۲- شریف الرضی، محمد بن حسن، ترجمه محمد دشتی و فیض الاسلام، ۱۳۷۹، نهج البلاغه، قم، مشهور.
- ۳- آمدی عبدالواحد بن محمد، ۱۳۶۶، غررالحکم و دررالکلم، تصحیح و تعلیق سید جلال الدین محدث، تهران، دانشگاه تهران.
- ۴- آذردهشتی، امیرهوشنگ (۱۳۶۸)، کندوکاوی در مدیریت علوی، قم، مرکز پژوهش های صدا و سیما.
- ۵- احمدی، مسعود (۱۳۹۰) مدیریت اسلامی، تهران پژوهشهای فرهنگی.
- ۶- ابن ابی الحدید، ۱۴۱۱ق، شرح نهج البلاغه، قم، بنیاد فرهنگی اسلامی.
- ۷- ابن ابی جمهور الاحسابی، محمد بن علی، عوالی اللثالی، سیدالشهدا، قم ۱۴۰۳ ق.
- ۹- امینی، عبدالحسین، ۱۳۸۷ق، الغدیر، قم، دارالکتب العربیه.
- ۱۰- تقوی دامغانی، سید رضا، ۱۳۷۹، نگرشی بر مدیریت اسلامی، تهران، شرکت چاپ و نشر بین الملل سازمان تبلیغات اسلامی،
- ۱۱- ثقفی کوفی، ابراهیم بن محمد، بی تا، الغارات، تهران، بهمن.
- ۱۲- حر عاملی، محمد بن حسن، ۱۴۲۲ق، الانتصار، بیروت، دارالسیره.
- ۱۳- حر عاملی، محمد بن حسن، بی تا، وسائل الشیعه، ج ۱۱.
- ۱۴- خمینی، روح الله، ۱۳۹۶، نشریه سروش شماره ۳۰۹.
- ۱۵- خدمتی، ابوطالب، پیروز علی آقا، شفیع، عباس، ۱۳۸۲، مدیریت علوی، قم، پژوهشکده حوزه و دانشگاه.
- ۱۶- شرحی بر بیانیه گام دوم، ۱۳۹۷، معاونت سیاسی نمایندگی ولی فقیه در سپاه.
- ۱۷- مجلسی، محمدباقر، ۱۴۰۳ق، بحارالانوار، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- ۱۸- منتظری، حسینعلی، ۱۳۶۷، مبانی فقهی حکومت اسلامی، تهران، کیهان.
- ۱۹- محمدی ری شهری، محمد، ۱۳۸۱، سیاست نامه امام علی علیه السلام، تهران، دارالحدیث.
- ۲۰- محمدی ری شهری، محمد، ۱۴۲۱ق، موسوعه الامام علی بن ابیطالب علیه السلام، قم دارالحدیث.